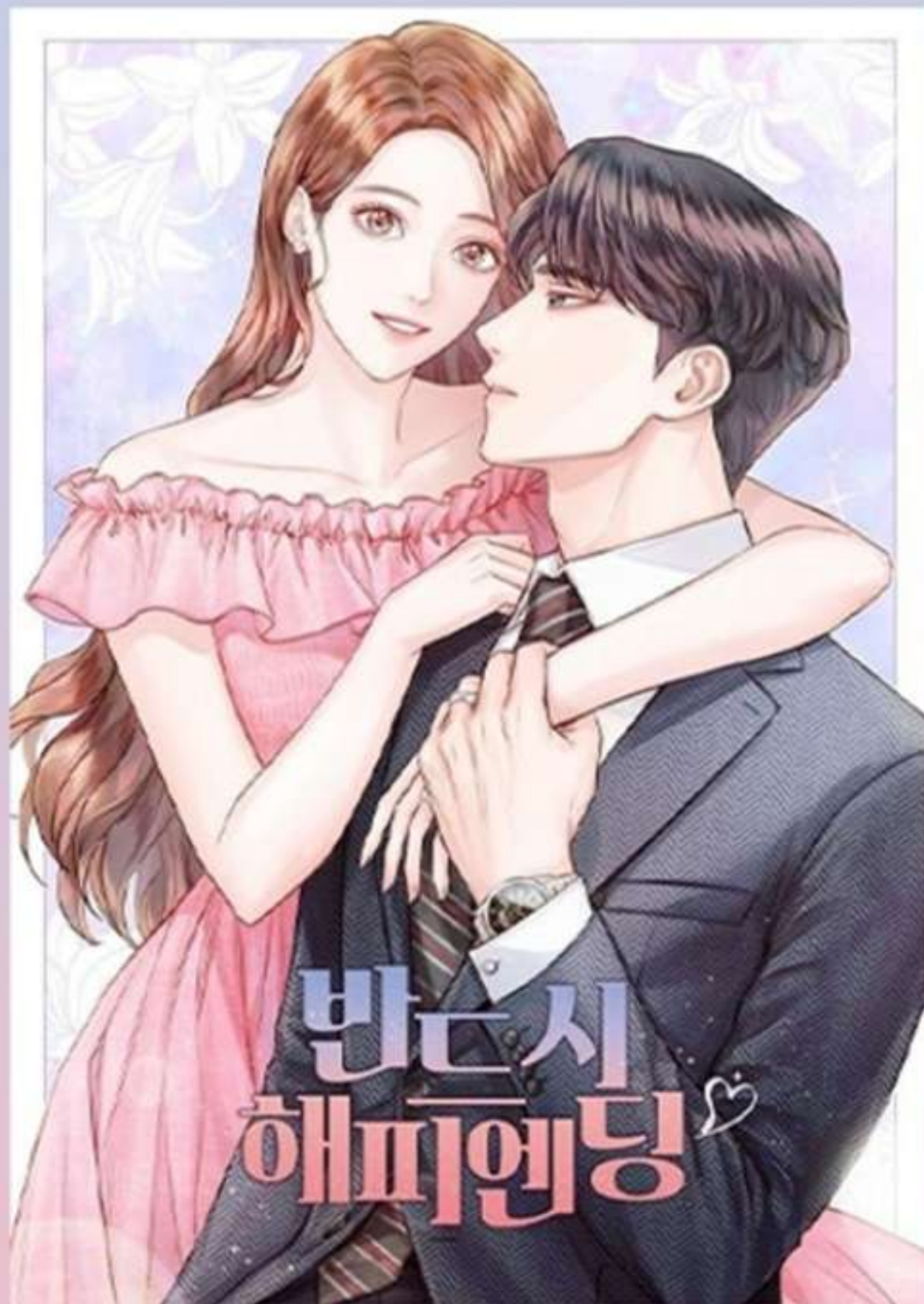




IRISEKAI



T.me/IriSekai



Instagram.com/IrisSekai

مترجم: Sara

کلینر: Yuan hua

تایپیست: Emmy



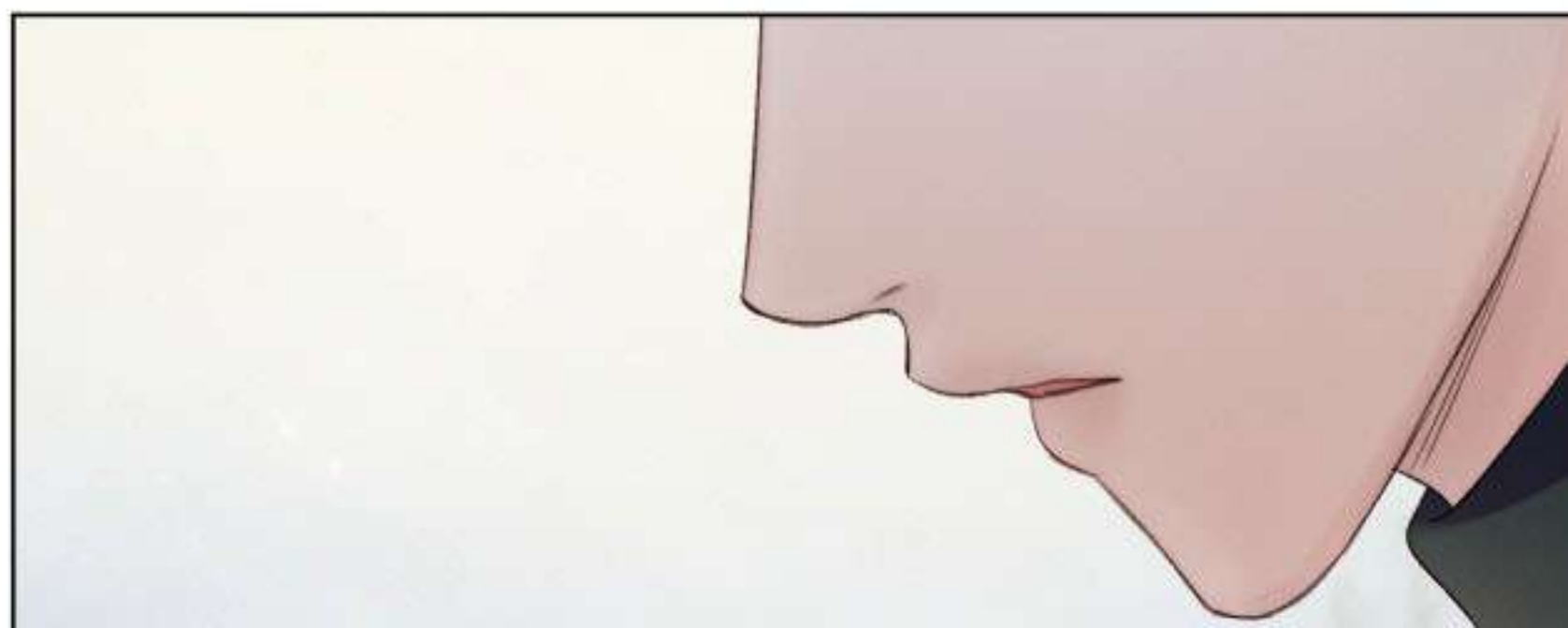
هناك شيء
... لا أعرفه

سونبه، این
مقاله ها الان...



چی شده؟

...عا.





کی همچین
شوخی هایه
مزخرفی کرده؟

با یه مرد
متاهل چیکار
داره؟

یو سارا.





چرا اون دختر
همیشه بين
مونه؟

حتی بعد اون

A woman with short dark hair, wearing sunglasses and a long grey coat, stands on a paved path. She is facing a woman with long brown hair, wearing a brown coat and black pants. They are standing on a paved path that leads towards a two-story building with several windows. There are trees on both sides of the path. The sky is blue with some clouds.

امیدوارم
سئون جی
خوشحال باشه.

اینو گفتم.

چون فک نکنم
یئون وو بتونه
سئون جی رو
خوشحال کنه.

정정





در موردش
فکر کن،
یئون وو.

حتی به اندازه
کافی برای
سئون جیم
سخته.

...سونه.





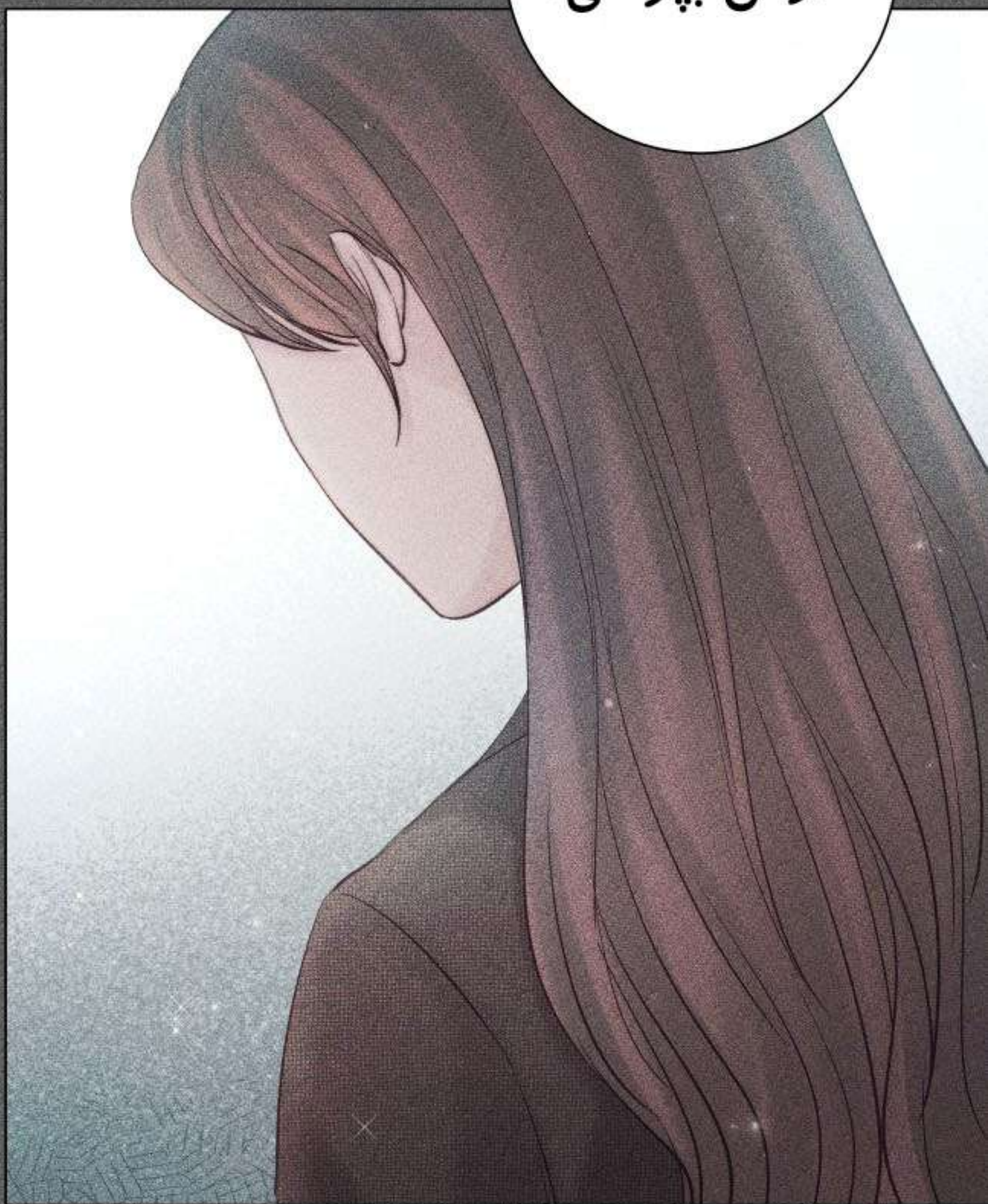
نه،
شوهر من

گفتی که اون
بخاطر من
روزای سختی
رو میگذرونه؟



اگه...

چطوره
ازش پرسی؟



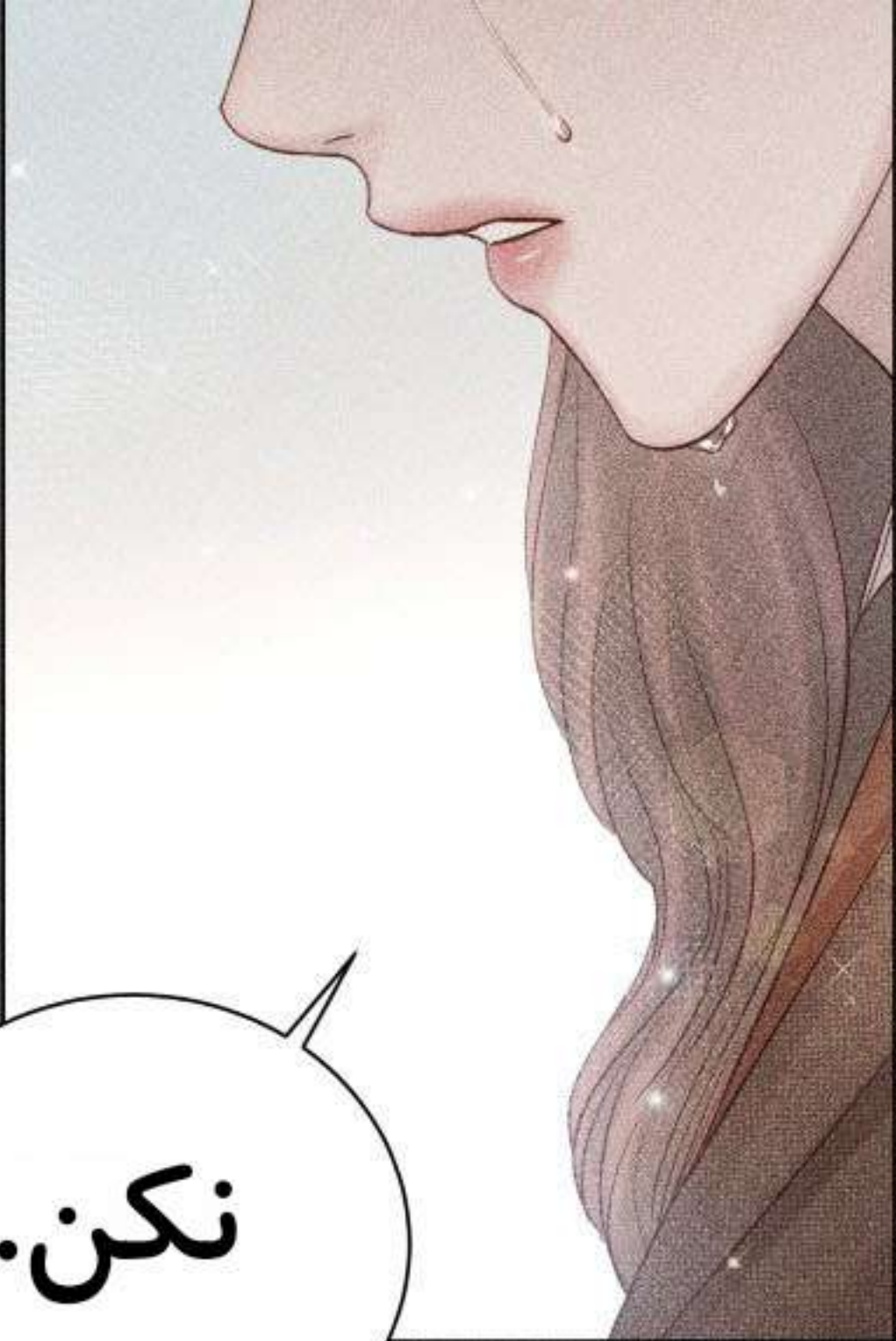
یئون وو
خیلی بده.

باهاش
صحبت
میکنم.



مشکله،
ولی امیدوارم
خوب کار
کنی.

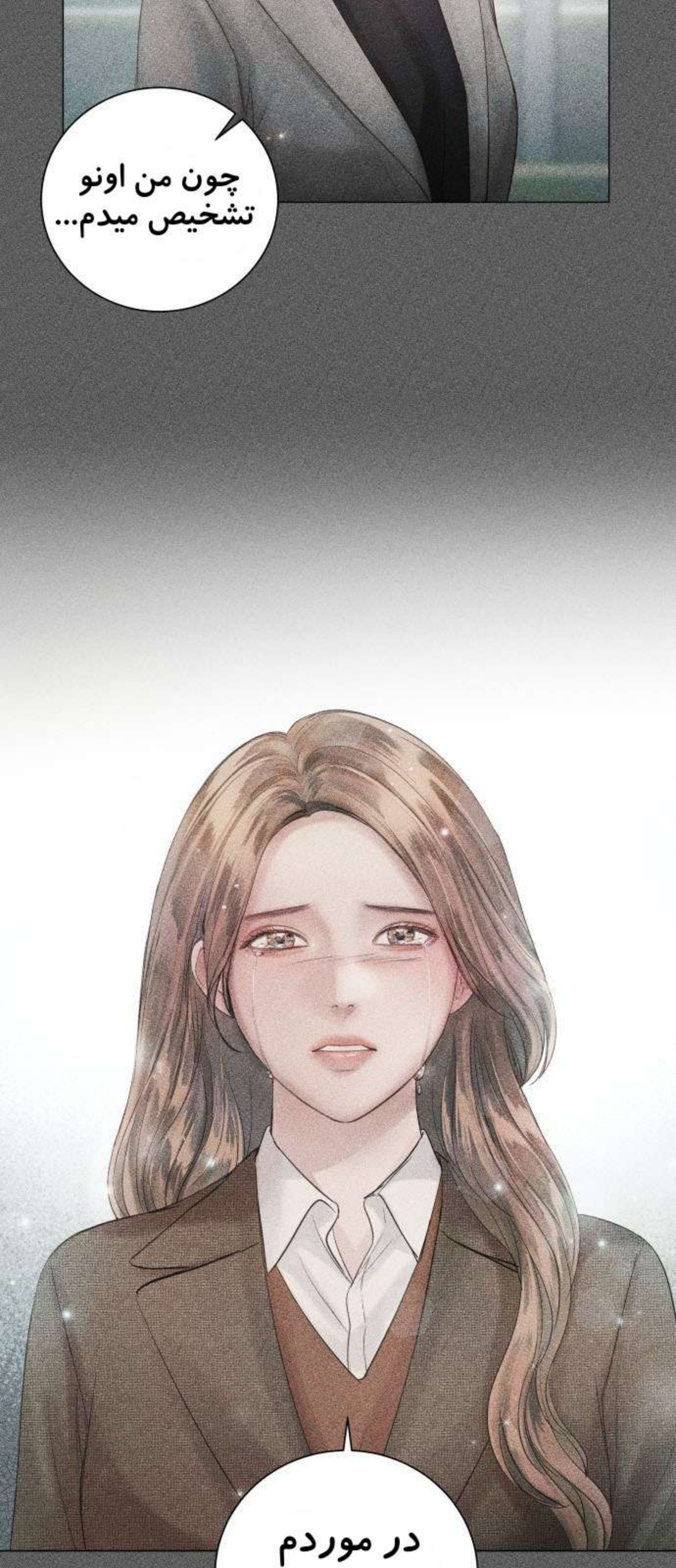
نه،
نکن.



نکن.



بهش نیازی ندارم،
در واقع قرار
بود تموم شه.



چون من اونو
تشخيص ميدم...

در مورد

حرفی نزن.





مهم نیست اون
چی انتخاب کنه،
من از یئون وو
حمایت می کنم.

اون موقع میترسیدم،

نمیتونستم ازت بپرسم



همه چیو
بهم ریختم.

من اونی نیستم
که الان هستم.

درسته،
تو پنجشنبه شب
از سئول به
بوسان اومدی.



بعدش تو روز
جمعه به سفر
کاری به بوسان کار
کردی و روز شنبه
باهام بازی کردی.

این عکس
کی گرفته شده؟



اون،
اون...

در واقع من
به سئول
بر گشتم.



머쓱



من تو سؤل
کارای زیادی
دارم.

...سفر کاریت
به بوهران
دروغ بود؟!



ببخشید.

واقعا نمی‌خوام
بهت دروغ بگم.

끄옥

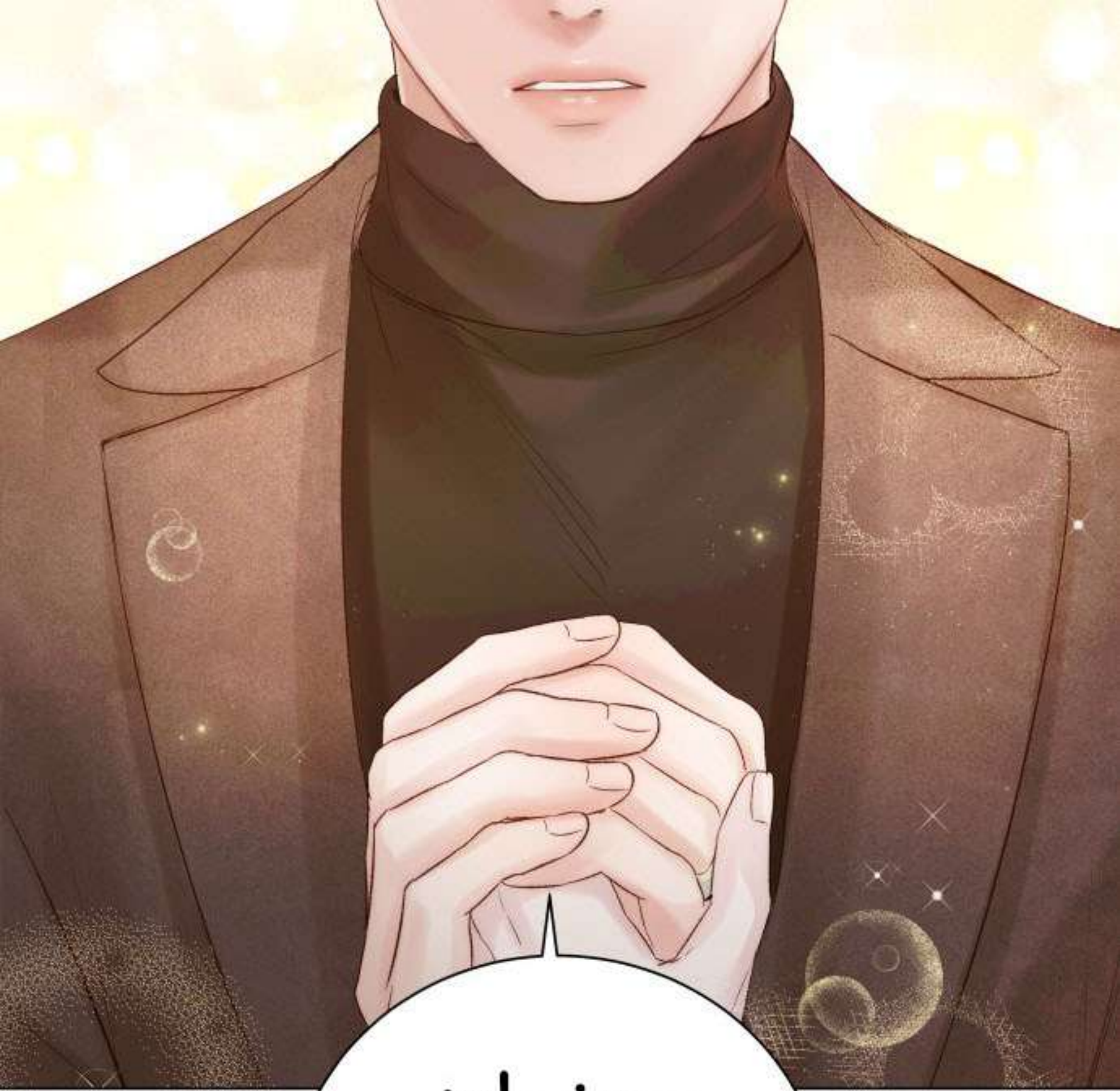
بهر حال،
شرکت مهم تره.



اڳه من پیام
دنبالت چي ميشه؟

،و





چون باید
هر روز
صبح بینمت.





اگه پدرم اونو
ندیده بود،
حرکت میکرد.

웅

웅

پدر از
این متنفره

گزارش ها باید
فورا مورد
شکایت قرار
بگیره.

.....

من همچنین باید
پیشخوان ها رو
سازماندهی کنم -
بررسی ها
و ارسال شون
به بیرون

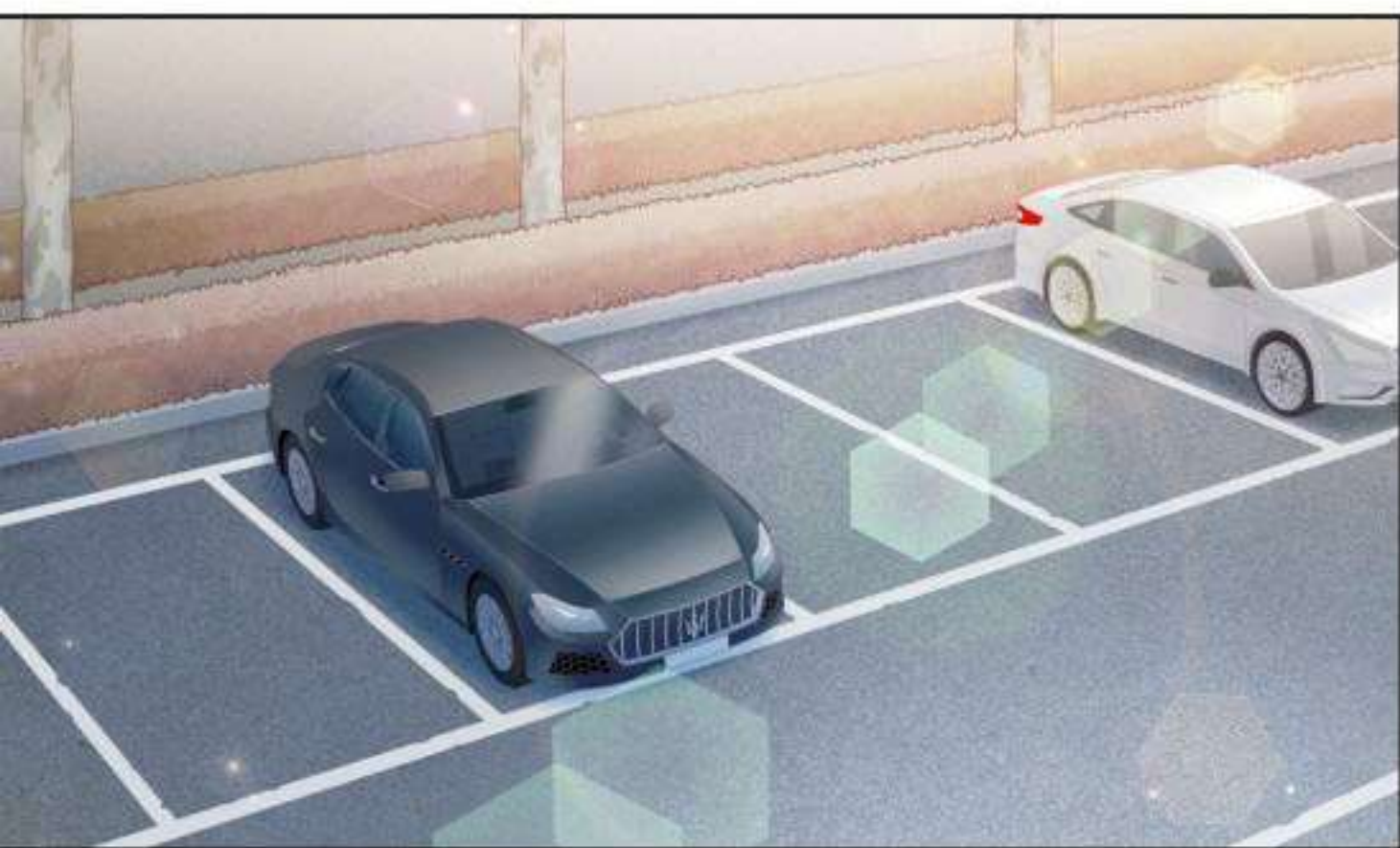


من به زودی همه
چیو مرتب میکنم،
نگران نباش.





بله...



صادقانه بگم یه
مدت پیش با یو سارا
تماس گرفتم و گفتم
که یه چیزی برا
صحبت کردن دارم.

اون مشغول
بود و نادیده‌ش
گرفتم؟





الان كه بهش
فكر ميكنم،
فكر كنم اون
داره يجا يي ميره.



اون تماسو
نادیده گرفته؟

فکر میکنم
این چیز خوبیه
که ندیدیم.



صحنه ملاقات
باید طعمه یکی
دیگه رو گیر
انداخته باشه.

...پس شما دوتا
هنوز همو ملاقات
نکردین؟



نه هنوز،
ما سرمون
شلوغ بود.





نمی‌دونستم اومده
کره تا اینکه چند
روز بعد پیش باهام
تماس گرفت.



درسته...



اون گفت که
هیچ شانس
برای ملاقات
یو سارا نیست،

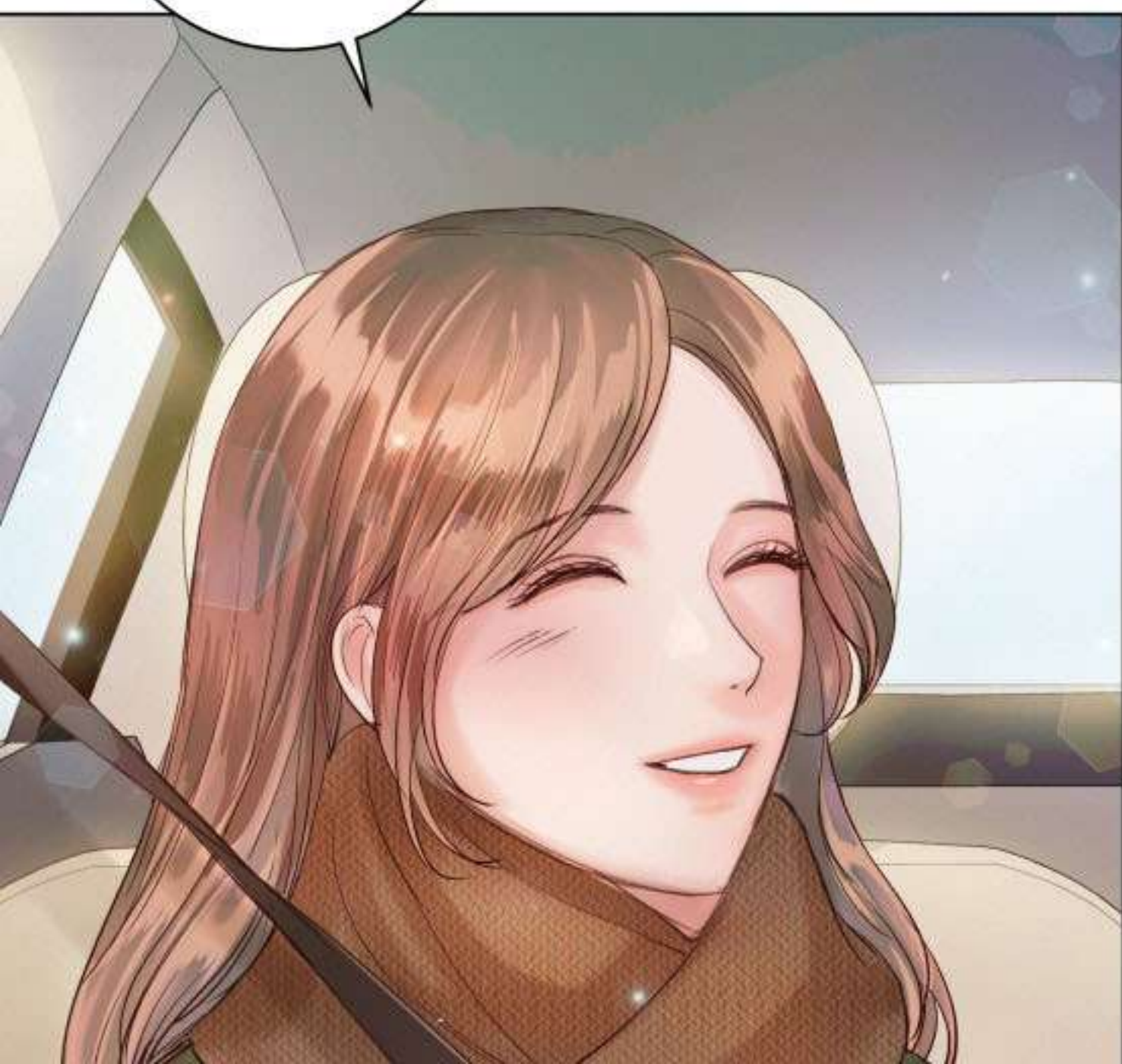
و اون از سئول
اومده پوسان
تا منو ببینه.

فکر نمی کنی
این یکم
عجیب غریبه؟



به هر حال منو
اشتباه نگیر.

نمیکنم،
من اشتباه
میکنم.





سونبه اون
موقع با من بود.



فکر میکنم باید
یه مدتی رو برم
پیش پدرم، پس
من اول میرم.



سال نو قدیم...
بدون مشکل گذشت.

کوم...

هیچ تهیتی
وجود نداشت...

این دفعه
تغییر کرد چون
سونیه دنیاالم
اومد تا برم بوسان؟

در حالی که سرش
شلوغ بود بخاطر من
او مدتی بوسان

پیش

ای





یو سارا؟!

반드시 해피엔딩♡

각색 불사 그림 재림
원작 플아다

تو با زنت نیومدی،
جدیدی داره.



اگه میدونستم
اینجایی،
با اون میومدم.

فکر میکردم پدرم سرگروه....



شما دوتا دوباره
دعوا کردین؟



همیشه به این
فکر میکنی؟





دارم در مورد
یه تهمت دیگه
حرف میزنم.



خوب نیست که
یه سری تهمت
سر اینکه با یکی
دیگه‌ای داشته
باشی.

به نظرت کی
بیشتر از همه
از این رسوایی
ضرر میکنه؟

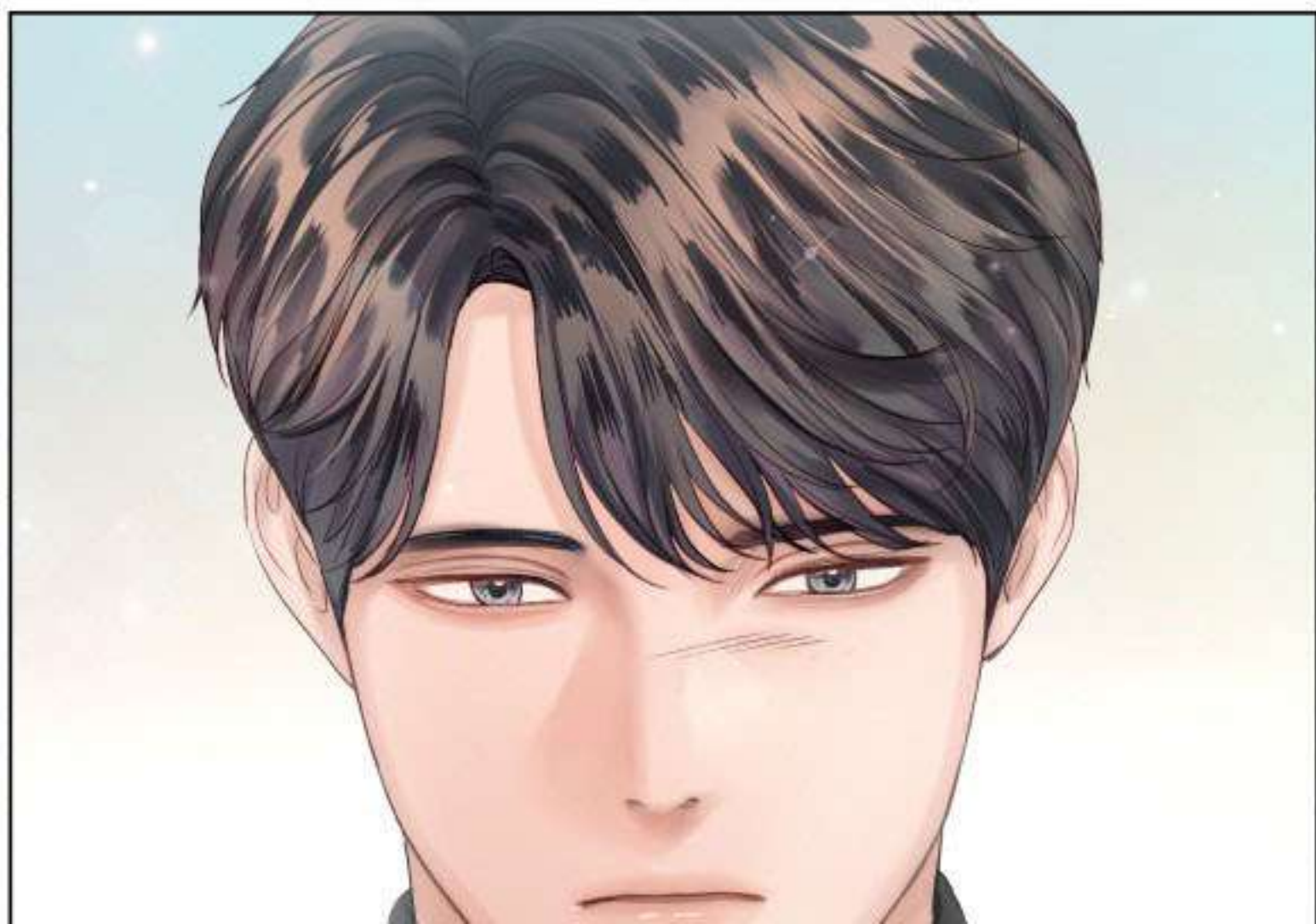


همسرتنه.

حقیقت هرچی که
باشه، پوچ ترین
و شرم آور ترینه.



اگه احساستتو
ابراز نمی کردی،
اون خیلی
ناراحت میشد.





همچنین،
ما باید پاهم
می بودیم.

پدرت هم
خوش تیپ بود،
برای همین
محبوب بود.

ولی هیچ
شایعه‌ای نبود.





یه نگاه به
خودت کن.

تو و سارا؟

از سارا هم
متنفر نباش،

اون خیلی
خوشگله.



بزرگ شدن و
موفق شدن
بدون خانواده
قشنگه.

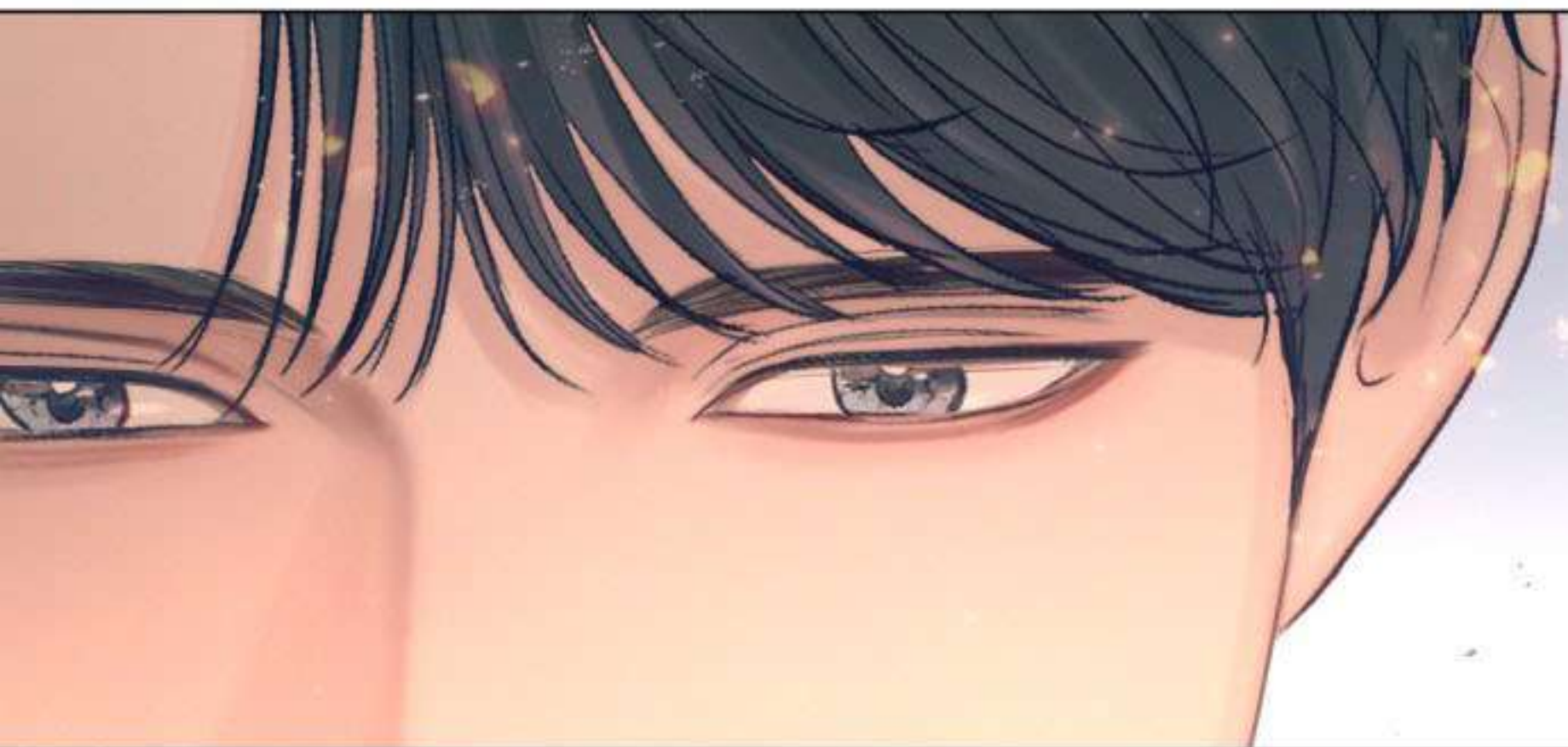
من گناه تو
رو حق
سارا می دونم.

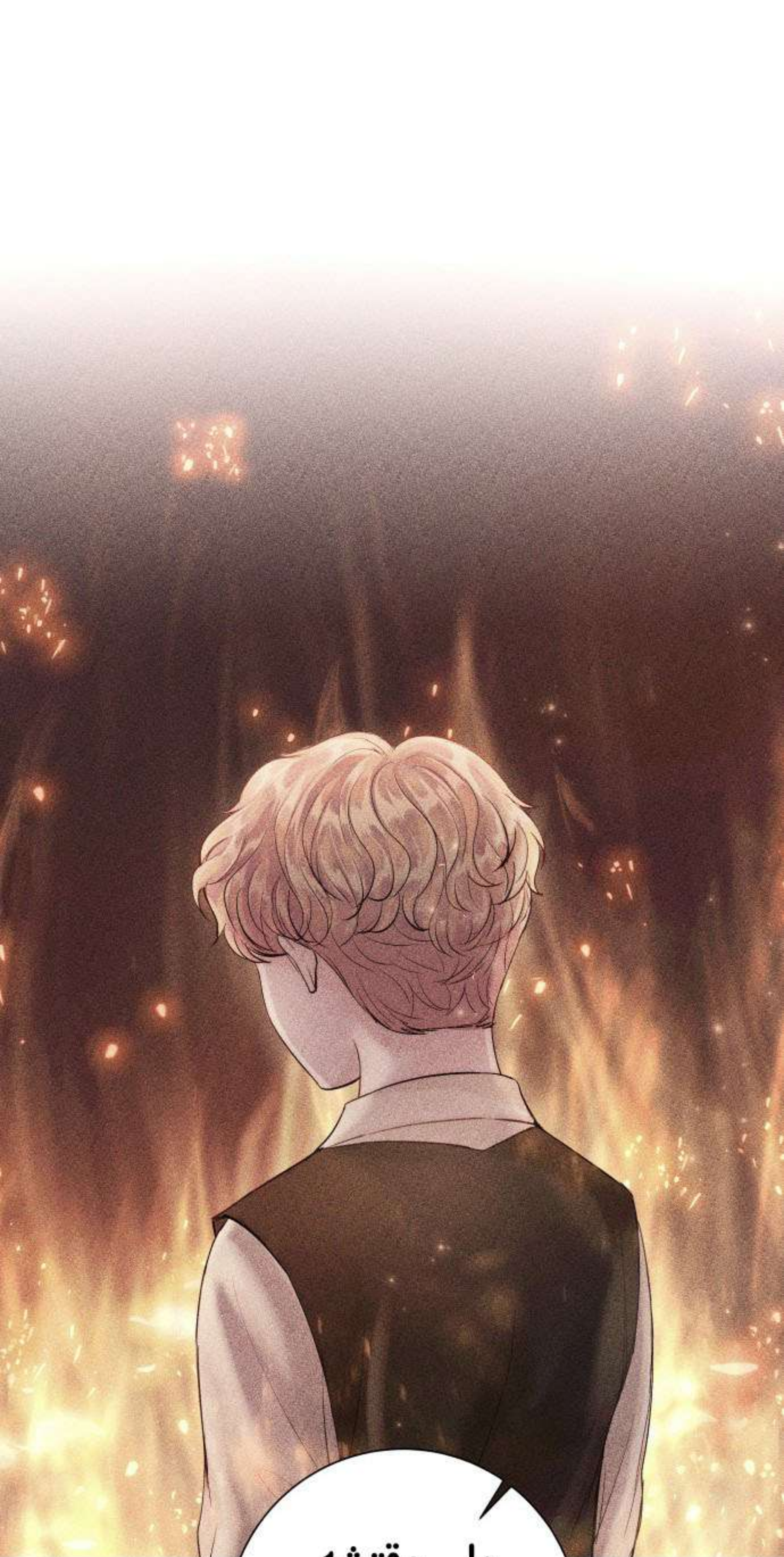




تو میخوای
ازش محافظت
کنی.







ولی وقتشه
که دیگه اون
مسئولیتو ول کنی.





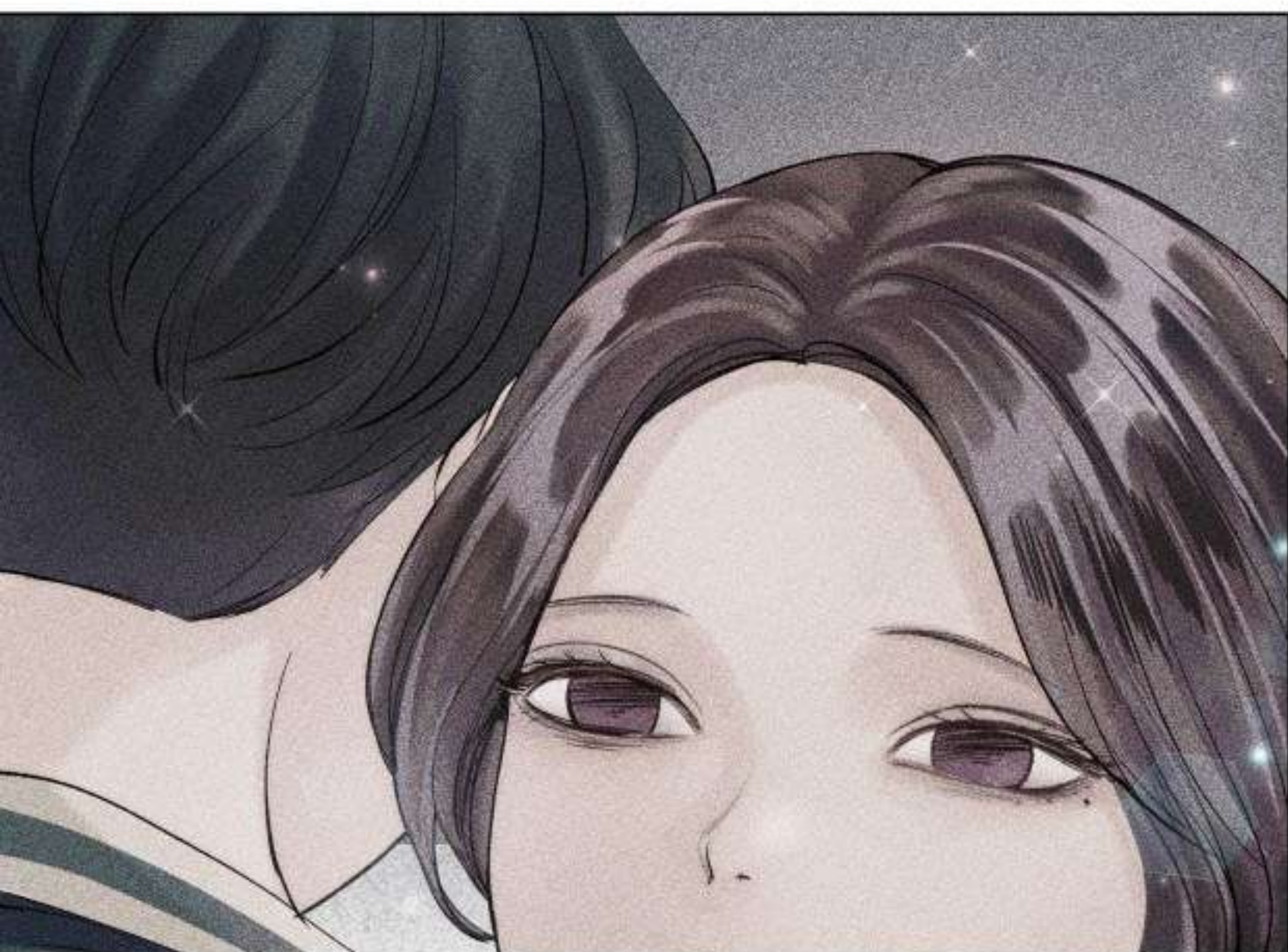
مثل من.

کانگ سئون چي
ميٽوئي په
فقيدو ول کښي.



با احساس
گناه و همدردی







پس من
همیشه میخواستم
که اون خوشحال
باشه.

سئون چي،
تو نميتوني
همدرد پيو
حفظ کني.



اين يه زنجير
خواهد بود که
تورو مي پنده.



نمی‌بینم که تو
دیگه اون غلی و
زنجیر و پکشی.

یه بار یه مقاله
رسوا کننده

منتشر شد،



اگر آژانس
بیانیه ای بده،
سکوت بهتره.

واقعا دیگه بهش
اهمیت نمی دم.





من تهمت های
زیادی رو پشت
سر گذاشتم.

من به همه چی
اهمیت میدم،
مهم نیست این
دونفر چقدر
بهت نزدیکن





فکر میکنم
ملاقات شریک
تهمت تو روز
رسوایی خوب
نیست.

میخواهی اخبار
دیگهای و به
گوش خبرنگارا
برسونی؟

چطور میتونی
بیای اینجا؟

هنوزم میتونم

بهت بگم
دوست شوهرم؟

یا از این فرصت
استفاده کردی تا
سعی کنی این
تهدید واقعی کنی؟

멍청

A woman with short, wavy brown hair is shown in profile, facing right. She is wearing a dark, double-breasted coat over a black top. She is holding a small, light brown cup with both hands. The background is a kitchen with white cabinets, a grey range hood, and a window. A speech bubble is positioned above her head.

يئون وو.

타.

سئون جي كسيه
كه مي تونه بدون
من يه رسوايي به
اندازه كافي بزرگ
ايجاد كنه.



واقعا انقد
ترسویی چطور
میتونی با سئون
جی زندگی کنی؟



آخرين بار،





چطور باهام
صحبت کردی؟

تو گفתי از ش
طلاق میگیری.





جوین شدن
تو چنل لایک و
کامنت یادت نره